



## تعاون در روند تعدیل

از: سعید اعتمادی

بلیه اصلی همچنان سلطه نامتناسب بخش تجاری بر سایر بخشهاست، گرچه تحرک و پویایی بخش تجاری در هر اقتصادی نمودار بالندگی اقتصاد و هموارکننده راه رشد سایر بخشها می باشد، لکن در ایران بخش تجاری عمدتاً به هموار کردن راه واردات کالاهای ساخته شده و سرکوب تولید و ارزش افزوده داخلی و در نتیجه، بازگردانیدن دلارهای نفتی به آن سوی مرزها اشتغال داشته است.

ثروت ملی بصورت انباشته و متمرکز توسط دولت از قبل فروش نفت، کسب و لا محاله بصورت هرم توزیع می گردد. در چنین اقتصادی تعاونی مرادف می شود با «چه

دهند» البته این حکم بیش از بخش تعاون در بخش خصوصی و دولتی مصداق دارد، زیرا حدود ۸۰٪ سرمایه گذارهای بخش خصوصی مستقیماً از طریق استفاده از اعتبارات بانکی بوده است که از همان بشکه سیاه سرچشمه می گیرد و بخش دولتی نیز همواره حدود ۴۰ تا ۴۵٪ از درآمدهایش

اگر عدل به مفهوم قرار گرفتن هر چیزی در مکان و منزلت حقیقی خویش بکار برود و تعدیل از چنین مصدري ریشه بگیرد و جهت گیری نماید، می توان آن را درکنار تعاونی قرار داد که از مصدر عون به معنی یاری رساندن متقابل است، مشروط بر اینکه تعاونی به مفهوم رایج کلمه را مجدداً باز شناسیم و آن را از پیرایه ها بزدایم.

سالم است که تعاونی به مفهوم توزیع امکانات، جا افتاده است و این در یک اقتصاد نفتی امری غیر طبیعی نیست، اقتصادی که منبع

محصول فروش نفت است گرچه سایر درآمدها نیز اگر با دقت نگریسته شود، ریشه در همین دیگ جوشان نفت داشته و دارد.

سیکل های تکرار شونده رکود و رونق که از اوائل دهه ۵۰ دقیقاً تحت تأثیر افت و خیز درآمدهای نفتی در هر ۳ بخش اقتصادی به تناسب وابستگی شان به درآمدهای نفت ظهور و بروز کرده و می نماید، گواه و شاهد زنده برای این مدعاست.

اما اتفاقی که تحت عنوان تعدیل اقتصادی در کوران آن هستیم در واقع اصلاحی است در سیستم توزیع این ثروت ملی با نرخ جدید که تا حدی با ارزش بین المللی ریال و ساز و کارهای بازار داخلی رقم زده می شود.

نرخ واحد برای ارزش برابری ریال در مقابل پولهای معتبر بین المللی، علیرغم نقش بسیار تعیین کننده و سرنوشت سازی که در تبلیغات برای آن قائل می شوند، پدیده جدیدی در اقتصاد ایران نیست. سالهای متمادی، بواسطه درآمدهای انباشته و خارج از توان جذب بخشهای داخلی، نرخ برابری ریال در برابر ارزهای معتبر ثابت بود و تفاوت قابل توجهی بین نرخ رسمی و غیر رسمی آن حادث نمی شد و با وجود این مناسبات بحران زا و تورم آفرین در بطن اقتصاد بقوت در حال شکل گیری بود.

این پدیده حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز استمرار داشته و در سالهای ۵۸ و نیمه اول ۵۹ همچنان نرخ واحد قبلی برای تبدیل ارزهای معتبر به ریال، برقرار بوده است.

تنها پس از وقوع جنگ تحمیلی و کاهش نسبی درآمدهای نفتی، پدیده دو نرخ و چند نرخ در عرصه اقتصاد ایران ظهور و بروز کرد.

ذکر این مطلب ضروری است که وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، نه تنها در بروز پدیده چند نرخ ارز عامل عمده و تعیین کننده ای نبوده بلکه تا حد قابل توجهی ظهور این پدیده را بتعویق نیز انداخته است.

باستاد ارزیابی سازمان برنامه و بودجه از نتایج اجرای برنامه پنجم و ترسیم دورنمای

## اگر عدل به مفهوم قرار گرفتن هر چیزی در مکان و منزلت حقیقی خویش بکار رود و تعدیل از چنین مصدري ریشه بگیرد و جهت‌گیری نماید، می‌توان آن را در کنار تعاونی قرار داد که از مصدرعون، به معنی یاری رساندن متقابل است.

اقتصاد ایران در یک روند دهساله با همان ساخت و سازهای برنامه پنجم، از سال ۵۷ تا ۶۷ برای حفظ تعادل حول نرخ ۷۰ ریال برای هر دلار، اقتصاد ایران با کسری معادل ۱۲۰ میلیارد دلار در پایان برنامه هفتم یعنی سال ۶۷ مواجه می‌گردید که بعلت عدم امکان جلب چنین منابعی، قطعاً حفظ تعادل روی نرخ قبلی غیر ممکن گردیده و ناگزیر پدیده چند نرخ یا کاهش ارزش برابری ریال در ابعاد گسترده‌ای ظهور پیدا می‌کرد.

بهر صورت با وقوع انقلاب اسلامی و بخصوص بروز جنگ تحمیلی تقاضای ارز در بخشهای مختلف بنحو چشمگیری کاهش یافت. هزینه‌های ارزی سالیانه جنگ علیرغم فضای غیر واقعی که برای آن ترسیم شده است، حداکثر برابر بود با ارزی که برای خرید خدمت خارجیان در قبل از انقلاب هزینه می‌شد. هزینه‌ای که عمدتاً برای پرداخت دستمزدهای گزاف و تحمیلی کارشناسان و مستشاران آمریکائی صورت می‌گرفت و سالیانه بالغ بر ۳ میلیارد دلار از منابع کشور را می‌بلعید.

در شرایط جنگ و بخصوص با رکود بخش صنعت که همواره بخش قابل توجهی از درآمدهای نفتی را بلعیده است و نامساعد شدن شرایط سرمایه‌گذاری، پدیده تعدیل نرخ ارز که بطور طبیعی می‌بایست در اوائل دهه ۶۰ بروز کند، با یک وقفه دهساله در اوائل دهه ۷۰ شاهد ظهور آن هستیم.

### اکنون در کجا بایستی بایستیم؟

آیا در جایی که دیگر کاملاً مستقل از درآمدهای نفتی و براساس مکانیزم بازار نرخ تعادل رقم بخورد؟ مسلماً خیر، زیرا اگر حدود ۱۵ میلیارد دلار درآمدهای سالانه نفتی را از مجموعه امکاناتی که بدرون اقتصاد تزریق می‌شود به فراموشی بسپاریم، قطعاً نرخ برابری حداقل ۸ برابر بالاتر از نرخ است که امروز برای برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی تعیین شده است. باین ترتیب تا چنین منبع ثروت تعیین کننده‌ای در اقتصاد ایران وجود

دارد که ضرورتاً در تملک دولت بوده و زیر کنترل بلامنازع آن توزیع می‌شود، اعتقاد به مکانیزم بازار و دلستن به نقش تعیین کننده سازوکارهای اقتصاد آزاد برای تعیین نرخ ارز و هر متغیر دیگر اقتصادی از اساس غیر واقعی و غیر عملی و غیر ممکن است. چنین باوری در تمامی کشورهای با وجه مسلط نفتی در اقتصادشان، مانند کشورهای نفت خیز جنوب خلیج فارس، کاملاً غیر واقعی است و هیچ نهاد سیاسی و اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و یا صندوق بین‌المللی پول بر استقرار مکانیزم بازار و تسلط بخش خصوصی بر اقتصاد این کشورها توصیه و تأکید نمی‌کند. بهر حال با زائل شدن آثار

شوکی که بعلت نزول یکباره برابری ریال در برابر ارزهای خارجی بر بخشهای مختلف اقتصادی عارض گردیده است و بخصوص با بهبود نسبی در وضعیت باز پرداخت بدهی‌های دولت به کشورها و شرکت‌های خارجی که بطور کاملاً نامعقول و ناموجه با اتخاذ سیاست درهای بسیار باز در سالهای اخیر حادث شده است، مجدداً صف‌ها برای برخورداری از این منبع ثروت ملی حول نرخ جدید تشکیل خواهد شد. در این فرصت کوتاه می‌توان با درایت و تیزهوشی کافی اصلاحات اساسی در جهت برخورداری بیشتر بخش‌های رشد یابنده از این ثروت ملی اعمال نمود.

### از کجا آغاز کنیم؟

بلیه اصلی همچنان سلطه نامتناسب بخش تجاری بر سایر بخشهاست، گرچه تحرک و پویایی بخش تجاری در هر اقتصادی نمودار بالندگی اقتصاد و هموار کننده راه رشد بخشهای دیگر می‌باشد، لیکن در اقتصادهای با وجه و مشخصه سلطه نفتی و بویژه در ایران بدلائل تاریخی و سیاسی بخش تجاری عملکرد متضاد با نقش کلاسیک خود داشته است و عمدتاً به هموار کردن راه واردات کالاهای ساخته شده و سرکوب تولید و ارزش افزوده داخلی و نتیجتاً بازگرداندن دلارهای نفتی به آن سوی مرزها اشتغال داشته است.

دولت در سازماندهی جدید خود و خردکردن ارزهای حاصل از فروش نفت به نرخ جدید و بعبارت دیگر دراصلاح سیستم توزیع ثروت ملی، می‌تواند در تعدیل عمومی اقتصاد بمعنی حقیقی خود و نشانیدن هر بخش در منزلت مناسب آن از این فرصت تاریخی به نحو احسن استفاده نماید.

در این شرایط که امکان سوء استفاده از سیستم چند نرخ ارز و وصول به ثروتهای



اتفاقی که تحت عنوان تعدیل اقتصادی در کوران آن هستیم، در واقع اصلاحی است در سیستم توزیع درآمدهای نفتی با نرخ جدید، که تا حدی با ارزش بین‌المللی ریال و ساز و کارهای بازار داخلی رقم زده می‌شود.



و مسئولین مملکت با جمع‌بندی تجربیات بسیار روشن سالیان اخیر اعتقاد به کارآیی مکانیزم بازار و انکاه تمام عیار به بخش خصوصی برای نجات اقتصاد کشور را مورد تجدید نظر اساسی قرار دهند.

از طرف دیگر دولت بنا به ضرورت به حداقل رسانیدن نقش اجرائی خود در اقتصاد که حقیقتاً ضرورتی رهگشا و بنیادی است می‌تواند نیروهای خبره‌ای را که در دستگاههای دولتی باشتغال کاملاً ناقص سرگرم می‌باشند و بعلت تنگناهای درآمدی اکثراً بصورت کاملاً رها شده و خود بخودی و در بسیاری از موارد غیر قانونی بموازات کار دولتی خود به اشتغالات خصوصی در بخش تجاری و خدماتی مشغولند در تشکلهای کاملاً حساب شده تعاونی سازمان داده و امکانات و امتیازات دولتی و یا بعبارت بهتر نفتی را با ضوابط عادلانه در بین چنین تشکلهایی توزیع نماید، امکاناتی از قبیل وامهای بانکی و اعتبارات ارزی، معافتهای مالیاتی و گمرکی و غیره که موتور محرک گسترش بخش دولتی و خصوصی در دو دهه گذشته بوده است.

البته در این راستا می‌بایست در ضوابط و قوانین تعاونی نیز بضرورت ایفای جنبش نقشی اساسی در سازماندهی مناسبات اقتصادی تجدید نظرهایی صورت گیرد. در این صورت امر تعدیل اقتصادی بمعنی حقیقی کلمه با تعاونی و با مفهوم درست آن قرین گشته و ضمن موزون شدن جایگاه بخش دولتی در اقتصاد، که همانا نقش سر است‌گذاری و نظارتی است، بخش تعاونی جایگاه واقعی خود را کسب نموده و در یک رقابت تنگاتنگ با بخش خصوصی، هر یک از بخشهای اقتصادی نقش کارسازتری را در توزیع و تجارت ایفا نمایند.

آنچه در این مقوله درباره تولید و تعاونیهای تولیدی و تأثیر تعدیل اقتصادی در این تعاونیها می‌توان بیان داشت محتاج بحث جامعی است که بفرصت دیگری موکول می‌شود. ■

تعاونیهای توزیع که به حداقل سود بسنده نموده و سود دهی و یاری رسانی جمعی و عمومی به جای حاکمیت هرچه بیشتر منافع فردی در آنجا حاکم است، می‌توانند با حمایت هوشیارانه دولت، نقش اساسی در سامان دهی امر توزیع و تجارت را کسب نمایند و این مشروط بر این است که با توجه به ویژگیهای اقتصاد ایران که ذکر آن رفت، سیاست گذاران

افسانه‌ای حداقل در کوتاه مدت برای بخش تجاری وجود ندارد، طبیعتاً بسیاری از دست‌اندرکاران بخش تجارت سیاست صبر و انتظار را تا مناسب شدن اوضاع درپیش خواهند گرفت، دورانی که همانند چند ساله گذشته حداقل ۳۰٪ سود در هر گردش عملیاتی برایشان تضمین شده باشد. در این فاصله زمانی، مجموعه‌هائی مانند

سابقه سیستم توزیع در کشور هندوستان به سال ۱۹۳۹ و جنگ دوم جهانی مربوط می شود و خط مشی کلی مبتنی بر تقلیل و کنترل قیمت ها است.



بقیه از صفحه ۹

تقدیم شد که شکل مصرف کنندگان پیش بینی شده و دادگاههای ویژه ای برای این منظور پیشنهاد شده است ولی من شخصاً به اینکار اعتقاد ندارم. چرا که این دادگاهها پس از مدتی تبدیل به دادگاههایی می شوند که سابقاً وجود داشت و مکانیزم رسیدگی نیز طولانی می شود. اما هیئت دولت تصویب نمود که چنین دادگاههایی تشکیل شود.

در این شکل که گفتید از چه نوع مسائلی می توانند شکایت کنند؟

آقای چودری:

قانونی موسوم به قانون حمایت از مصرف کننده وجود دارد و این مجمع براساس این قانون پایه گذاری شده است. در این قانون پیش بینی شده چنانچه مصرف کنندگان شکوایه ای از تعاونها داشته باشند می توانند در این مجمع مطرح کنند ولی این امر شامل خدمات و بازار آزاد نمی شود. مصرف کننده می تواند تقاضایش را بطور ساده بنویسد. اگر

آقای مهندس شافعی:

با اینکه به سمت اقتصاد بازار حرکت می کنید ولی نرخ تورم بالائی ندارید و بعضی گزارشها نشان می دهد که نسبت به گذشته نرخ تورم کشورتان پائین آمده است. این نکته خیلی مهمی است مایلم بدانم با چه مکانیسمی به این موفقیت دست پیدا کرده اید؟

آقای آنتونی:

دلیل اصلی، سیاست های اقتصادی دولت است که موجب شد نرخ تورم از ۱۶/۷ درصد به ۶ تا ۷ درصد برسد. دولت در مکانیزم بازار دخالت می کند مثلاً اگر قیمت روغن یا شکر، بالا برود، دولت وارد بازار می شود و با تزریق این اقلام در بازار قیمت ها پائین می آید.

آقای مهندس شافعی:

آیا به کالاهای اساسی سوبسید می دهید؟

آقای آنتونی:

در حال حاضر به پنج قلم کالا نظیر برنج، روغن، کبریت و گازوئیل و شکر سوبسید می دهیم. در بعضی از ایالات دولتهای محلی به بعضی از کالاهای دیگر نیز سوبسید می دهند.

آقای مهندس شافعی:

قدرت خرید مردم نسبت به سال گذشته چطور است؟

آقای آنتونی:

دویست و پانزده میلیون نفر از قدرت خرید خوبی برخوردارند و بمنظور افزایش قدرت خرید مردم دولت سعی دارد با ایجاد اشتغال در مناطق محروم قدرت خرید آنها را بالا ببرد.

در پایان این گفتگو آقای کمال الدین احمد وزیر مشاور در امور بازرگانی و تعاون ضمن ابراز خوشامد مجدد به جناب آقای شافعی و هیئت همراه ابراز امیدواری نمود روابط دو کشور روز به روز افزایش یابد. این مذاکرات ۲/۵ ساعت بطول انجامید.

شماره ۲۸ / دی ۱۳۷۲ / تعاون / ۲۷

مبلغ شکایت کمتر از ۵۰۰ هزار روپیه باشد دادگاههای محلی، و از ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون روپیه در دادگاه ایالتی و بیش از ۲ میلیون روپیه در دادگاه کشوری مطرح می گردد. مسئولین این دادگاهها عموماً از قضات بازنشسته و یا شاغل می باشند.

آقای مهندس شافعی:

آیا در شرائط تعدیل اقتصادی تغییری در حمایت از اقشار مستضعف بعمل آمده و آیا در جایگاه تعاونهای مصرف تغییری حاصل شده است؟

آقای آنتونی:

ما بطور مستمر فعالیت خودمان را حول این محور متمرکز کرده ایم و لویجی را هم مبنی بر اینکه مصرف کنندگان در مورد کالاهای اساسی مورد حمایت قرار گیرند به پارلمان تقدیم کرده ایم تا بجای کنترل دولتی، خود مصرف کنندگان کنترل داشته باشند.